

**Research Article**

## **A Reflection upon the Concept of Political Development in the Principlist Discourse of Mahmūd Ahmadī Nizhād<sup>1</sup>**

**Reza Mohammadain<sup>1</sup>, Hosein Tafazoli<sup>2</sup>, Seyed Ismail Hosseini Goli<sup>3</sup>**

<sup>1</sup> Ph.D. Student, Department of Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ezamohammadian42@yahoo.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**). tafazoli\_hossein@yahoo.com

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ehgoli@gmail.com

### **Abstract**

Mahmūd Ahmadī Nizhād is the head of the 9<sup>th</sup> and 10<sup>th</sup> government in the Islamic Republic of Iran who launched his work with an approach to revive the principles and ideals of the Islamic Revolution. The purpose of the present study is to represent a distinct analysis of the concept of political development in the discourse of Mahmūd Ahmadī Nizhād that in contrast with the western conception of political development, is accompanied with some requirements such as establishing Islamic civilization by the Islamic Republic Government and improving Islamic culture and civilization in the international level. Using descriptive analysis, this study deals with the main research question that: what does the concept of political development mean in in the priciplist idea of Mahmūd Ahmadī Nizhād? This research delves deep into the principlist discourse of the parties and democratic organizations as well as the role of people in achieving the goals of the revolution and then represents a new interpretation of the concept of political development. This interpretation recognizes the establishment of Islamic civilization and justice by the Islamic Republic of Iran throughout the world as the center of this concept in the intellectual discourse of Mahmūd Ahmadī Nizhād.

**Keywords:** Mahmūd Ahmadī Nizhād, Political Development, Principlist Idealist, Global Arrogance (U.S.A), Islamic Civilization, Bahār Government, Principlism (Fundamentalism).

- 
1. **The present research article is extracted from:** the Ph.D. thesis entitled: **The Comparative Study of the Role and Impact of Reformists on the Relationship between Government and Society in the Islamic Republic of Iran during the presidency of Muhammad Khātāmī's and Mahmūd Ahmadī Nizhād with Emphasis on the Element of Democracy**, by Rizā Muhammaīyān, presented at department of political science, faculty of political science, Islamic Azad University, central Tehran branch, in 1399.

\* **Received:** 2021/02/27 ; **Accepted:** 2021/04/04

\*\* Copyright © the authors

## بازاندیشی مفهوم توسعه سیاسی در گفتمان اصول‌گرای محمود احمدی‌نژاد<sup>۱</sup>

رضا محمدیان<sup>۱</sup>، حسین تفضلی<sup>۲</sup>، سیداسمعیل حسینی‌گلی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترا، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
rezamohammadian42@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
tafazoli\_hossein@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ehgoli@gmail.com

### چکیده

دولت محمود احمدی‌نژاد، نهمین و دهمین دولت در جمهوری اسلامی ایران است که با رویکرد احیای اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی بر سر کار می‌آید. هدف تحقیق حاضر ارائه تحلیلی متفاوت از مفهوم توسعه سیاسی در گفتمان احمدی‌نژاد است که در تقابل با مفهوم توسعه سیاسی به معنای غربی آن، الزاماتی چون تشکیل تمدن اسلامی با محوریت نظام جمهوری اسلامی و اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی در سطح نظام بین‌المللی را به همراه دارد. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی، به این پرسش اساسی می‌پردازد که مفهوم توسعه سیاسی در اندیشه اصول‌گرای احمدی‌نژاد به چه معنا می‌باشد. این تحقیق با تشریح گفتمان اصول‌گرایی بر احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد و توجه به نقش مردم در رسیدن به اهداف انقلاب، به تبیین جدیدی از مفهوم توسعه سیاسی می‌پردازد. تبیینی که تشکیل تمدن اسلامی به محوریت نظام جمهوری اسلامی و برقراری عدل اسلامی در سراسر جهان هستی را نقطه محوری این مفهوم در گفتمان فکری احمدی‌نژاد می‌داند.

**کلیدواژه‌ها:** محمود احمدی‌نژاد، توسعه سیاسی، آرمان‌گرای اصول‌محور، استکبار جهانی، تمدن اسلامی، دولت بهار، اصول‌گرایی.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری رضا محمدیان، با عنوان: بررسی تطبیقی نقش و تأثیر اصلاح‌طلبان بر رابطه دولت و جامعه در جمهوری اسلامی ایران در دوران محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد با تأکید بر عنصر دموکراسی‌خواهی، ارائه شده در گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، سال ۱۳۹۹ است.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

## ۱. مقدمه

محمود احمدی‌نژاد سیاست‌مدار ایرانی است که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ به عنوان نهمین و دهمین رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران بر کرسی قدرت تکیه می‌زند. پایگاه قدرت احمدی‌نژاد عمدتاً از درون نهادهای قدرت در درون نظام نشأت می‌گیرد و با هدف احیای اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی بر سر کار می‌آید (زیباکلام، ۱۳۸۵، ص ۸۶-۸۳).

احمدی‌نژاد شعار اصلی و محور برنامه‌های خود را عدالت محوری و عدالت‌گستری اعلام می‌کند. وی در صدد احیای اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های نخستین انقلاب و در رأس آنها عدالت است. بدین ترتیب، برنامه اصول‌گرایانه احمدی‌نژاد بر مبنای مبارزه با بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی، فساد و تبعیض تدوین و عرضه شد (Sadjadpour, 2006, P. 151-162). محور و مبنای سیاست خارجی احمدی‌نژاد، عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری در عرصه بین‌المللی است. رئیس جمهور در گردهمایی سفیران و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور در دوم مرداد ۱۳۸۶، با صراحت عدالت‌گستری را یکی از مبنای و اصول سه‌گانه‌ای برشمرد که همه ارکان سیاست خارجی و مدل دیپلماسی جمهوری اسلامی می‌بایست بر پایه آنها طراحی، اجرا و به جامعه بین‌المللی عرضه شود (دهقانی، ۱۳۸۶، ص ۲-۳).

گفتمان عدالت‌گستری احمدی‌نژاد از نظر سیاست اخلاقی، به دولت و حکومتی می‌نگرد که تأسیس یک جامعه دینی مبتنی بر اصول و ارزش‌های فرازمانی و فرامکانی شریعت اسلام که سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها را تأمین کند، در مرکز ثقل خود دارد. گفتمان مذکور، نه تنها تأمین سعادت و تعالی انسان در جامعه را وظیفه دولت می‌داند، بلکه یکی از مهم‌ترین رسالت‌ها و مأموریت‌های سیاست خارجی آن را تعالی جوامع انسانی برمی‌شمارد (همان، ص ۵-۴).

فرضیه تحقیق حاضر بر این امر مبتنی است که گفتمان عدالت‌ورزی احمدی‌نژاد، در راستای تحقق ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی، حرکت در مسیر توسعه را شعار اساسی و محوری نظام اسلامی قرار می‌دهد و با تعبیری جدید از توسعه سیاسی، توسعه سیاسی را به معنای توجه به نقش مردم در رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی و حاکمیت دیدگاه‌های ارزشی انقلاب بر احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد و بازتعریف دموکراسی در چارچوب

اصول ارزشی و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌داند (Sadjadpour, 2006, P. 151-162).

## ۲. مسأله پژوهش

تحقیق حاضر به این پرسش اساسی می‌پردازد که گفتمان توسعه سیاسی در زمان احمدی‌نژاد به چه معنا بوده و چشم‌انداز تحول توسعه سیاسی در این دوره چه حوزه‌هایی را دربرمی‌گیرد و چه دستاوردهایی را به دنبال دارد.

## ۳. اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، ارائه تبیین و تفسیری متفاوت از مفهوم توسعه سیاسی در اندیشه احمدی‌نژاد است که هم‌سو با آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و در تقابل با مفهوم توسعه سیاسی در مدل غربی آن قرار می‌گیرد.

مولفه‌ها و محورهای توسعه سیاسی در اندیشه رجل سیاسی قبل از احمدی‌نژاد، دارای عناصری چون آزادی اندیشه و بیان، برابری، حقوق شهروندی، جامعه مدنی، حاکمیت قانون و... می‌باشد. مقولاتی که در گفتمان اصول‌گرای احمدی‌نژاد رنگ می‌بازد و در راستای تشکیل تمدن اسلامی، به حاکمیت نقش مردم در رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی چون استکبارستیزی و برقراری عدالت اسلامی می‌پردازد.

اهداف فرعی پژوهش نیز ارائه و بیان گفتمان اصول‌گرایی احمدی‌نژاد در راستای ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی است که به‌نوبه خود تعابیر و تفاسیر جدیدی از مفهوم توسعه سیاسی را به همراه دارد.

## ۴. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است، بدین ترتیب که داده‌های مختلف از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه فیش‌برداری گردآوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

## ۵. اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت تحقیق از حیث بازنگری اندیشه اصول‌گرای احمدی‌نژاد، به تفاسیر ایدئولوژیک و بنیادی از اسلام بازمی‌گردد که در درون خود دارای عناصری پویا و زنده است که با مقتضیات زمان درهم می‌آمیزد. أخذ چنین مفاهیمی از گفتمان بنیادگرایی

اسلامی و توجه به اندیشه اصول‌گرایی و آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، ضرورت تحقیق و پژوهش در این زمینه را دوچندان می‌کند.

بیان دیدگاه اصول‌گرایی احمدی‌نژاد و ارتباط آن با مفهوم توسعه سیاسی، می‌تواند ترسیمی از چهره انقلاب اسلامی در صحنه جهانی ایجاد نماید که با تفسیر جدید از امر توسعه به معنای سیاسی آن، بر حاکمیت ارزش‌های الهی و دینی در راستای تحقق ارزش‌های عدالت‌خواه انسانی و حفظ کرامت بشری در زمینه مبارزه با ظلم و استبداد تأکید ورزد که به‌نوبه خود بر ضرورت توجه به این امر صحه می‌گذارد.

## ۶. پیشینه پژوهش و نوآوری

در بررسی پیشینه پژوهش می‌توان گفت، پژوهشی که ارتباط مستقیمی با ابعاد مطرح شده در این تحقیق داشته باشد، ارائه نشده است. با این وجود، در ادامه برخی از مشابه‌ترین پژوهش‌های انجام شده، معرفی می‌گردد و در پایان ایده جدید این پژوهش مورد اشاره قرار می‌گیرد.

دهشیری (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «حکمت اسلامی و رویکرد تمدنی به دیپلماسی فرهنگی»، با رد رویکردهای تقابلی و تفوقی، معتقد است که موفقیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در گرو اتخاذ رویکرد تمدنی تعاملی است. در این پژوهش به بازتعریف توسعه سیاسی در پرتو دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز پرداخته شده است.

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۶)، نیز در پژوهشی با عنوان «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد»، به بررسی رویکرد اصول‌گرایی عدالت‌محور احمدی‌نژاد می‌پردازد. این تحقیق با تشریح گفتمان اصول‌گرایی احمدی‌نژاد، به بازخوانی سیاست خارجی وی با محوریت ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی پرداخته و در نهایت ارزش‌های انقلاب اسلامی چون عدالت و برابری، رمز جهان توسعه‌یافته قلمداد می‌شود.

ازغندی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، به بررسی چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ادوار مختلف پرداخته و با اشاره به دوره ریاست جمهوری

احمدی‌نژاد، به تحلیل و ارزیابی این دوره با رویکرد مبتنی بر ارزش‌ها و اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی با تکیه بر عدالت و برابری و استکبارستیزی می‌پردازد. این پژوهش به‌نوبه خود تفسیری بر امر توسعه در دوره احمدی‌نژاد و ادوار مذکور می‌باشد. در اکثر پژوهش‌های انجام شده، به مفهوم توسعه سیاسی از دریچه چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی نگریسته شده است. مقوله توسعه سیاسی مدنظر احمدی‌نژاد، تحلیل و تفسیری جدید از امر توسعه است که از خلال آثار مختلف، به تفسیری که با اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی مألوف و مأنوس باشد، منتج می‌شود.

## ۷. مباحث نظری

توسعه عرصه‌ای است که در آن اهداف کلان و حرکت عمومی جامعه برای دستیابی به جامعه مطلوب تعریف می‌شود. توسعه در معنای عام، فرآیندی تحولی پیچیده و همه‌جانبه است که در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه رخ می‌دهد و آن را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت می‌کند (دیانت و نجات‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۳۹).

مفهوم توسعه سیاسی ارتباط نزدیکی با ایدئولوژی و نگرش نخبگان سیاسی دارد، به گونه‌ای که تغییر در آنها بر روند توسعه سیاسی اثر می‌گذارد. مقوله توسعه در گفتمان فکری احمدی‌نژاد معنا و مفهومی متفاوت و متمایز با سلف فکری و نخبگان سیاسی پیش از وی می‌یابد. احمدی‌نژاد با قرائت اصول‌گرایانه از امر توسعه، تعبیر و تفسیری جدید از این مفهوم (توسعه سیاسی) به دست می‌دهد.

پنجمین گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران از سال ۱۳۸۴ با ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، آغاز شد. این گفتمان را با نام‌هایی همچون اصول‌گرای عدالت‌محور، آرمان‌گرای اصول‌محور یا گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور می‌شناسند. گفتمان احمدی‌نژاد را می‌توان گفتمان انقلابی - سنتی دانست که در آن نوعی تأکید بر ارزش‌های اولیه انقلاب و گرایش سنت، محوریت دارد. به عبارتی، در این گفتمان عناصر تجددگرایی در حاشیه قرار می‌گیرد و نخبگان سیاست خارجی با تفسیری انقلابی از منابع و قواعد شکل دهنده به هویت انقلابی - اسلامی، نقش‌های هویتی مبتنی بر این قواعد را برجسته نمودند.

در این گفتمان، در حوزه فرهنگی، نوعی رویکرد به درون و بومی‌گرایی فرهنگی دنبال

می‌شود. کلیدواژه‌های این گفتمان در حوزه فرهنگ و ارتباط با فرهنگ جهانی عبارت است از: تهاجم فرهنگی، امپریالیسم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، استحاله فرهنگی، ناتوی فرهنگی و نظایر آن (صدیق سروسستانی و زائری، ۱۳۸۹، ص ۱۷).

مفهوم توسعه سیاسی در گفتمان فکری احمدی‌نژاد، زاییده عناصر و مقولاتی است که با تکیه بر ارزش‌ها و اصول اولیه انقلاب، تفسیری متفاوت و جدید از این مقوله به دست می‌دهد. به عبارت دیگر، در این گفتمان عناصر مدرن و تجدیدگرایی در حاشیه قرار می‌گیرد و با تفسیری انقلابی از منابع و قواعد شکل‌دهنده به هویت انقلابی - اسلامی، مفهوم توسعه سیاسی در مدار آرمان‌ها و اصول اولیه انقلاب اسلامی معنا و مفهومی دیگر می‌یابد، مفهومی که با معنای توسعه سیاسی در اندیشه نخبگان سیاسی سلف احمدی‌نژاد، متفاوت و اساساً متمایز است (بشیری، ۱۳۷۸، ص ۸۸-۷۵).

#### ۸. تاریخچه توسعه سیاسی

تاریخچه مفهوم توسعه سیاسی و عناصر و مقولات آن در سپهر سیاسی جمهوری اسلامی ایران به دولت‌های مختلف حاکم بر جمهوری اسلامی بازمی‌گردد. دولت‌هایی که هر یک با گفتمانی متفاوت و با اهداف و رویکردی خاص بر سر کار می‌آیند. بنابراین، مفهوم توسعه سیاسی در دوره‌های مختلف جمهوری اسلامی از جمله دوره سازندگی، دوره اصلاحات و دوره عدالت و مهرورزی متفاوت بوده و هر یک از دریچه و روزنه‌ای خاص به این مقوله نظر دارند.

مفهوم توسعه سیاسی در دوره سازندگی به توسعه محوری و سازندگی حاصل از تخریب‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مرتبط می‌گردد. دولت سازندگی با دیدگاه مبتنی بر بازنگری قانون اساسی، در پی تفسیری از اسلام مطابق با مقتضیات زمانه بود (باقری دولت‌آبادی و رشیدی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۱۸-۱۱۲). در دوره اصلاحات، تفسیری مطابق با دنیای مدرن و در راستای تحقق جامعه مدنی و مقولاتی چون دموکراسی، حاکمیت قانون، تعامل و گفتگو با ملل متمدن دنیا و... شکل می‌گیرد (خواجه سروی، ۱۳۹۰، ص ۵۵).

دولت احمدی‌نژاد با تفسیری متفاوت از این مقوله، به تعبیری جدید و متفاوت از مفاهیم مذکور در دولت‌های پیشین می‌پردازد.

## ۹. بررسی گفتمان سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد

دولت احمدی‌نژاد متناسب با گفتمان کلان خود، گفتمان نوظهوری را در سیاست خارجی ایران صورت‌بندی کرد که اصول و مفاهیم سیاست خارجی ایران را در افق معنایی جدیدی قرار می‌داد. این گفتمان نوظهور در رقابت با گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار و در گسست از آن، تصویر دیگری از نظام بین‌الملل و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عرضه می‌کرد که پیامدها و رفتارهای خاص خود را در مناسبات سیاست خارجی به همراه می‌آورد (Ehteshami & Mahjoob, 2008, P.15).

دولت احمدی‌نژاد با طرح گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور، اصول و مفاهیمی چون صدور انقلاب، استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان، حکومت جهانی اسلام را در افق معنایی جدیدی تعریف کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶، ص ۷۱-۷۰). به عقیده حاملان گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور، دولت‌های پیشین با اولویت‌بخشی به توسعه اقتصادی و سیاسی، از آرمان‌های انقلاب اسلامی دور شدند (Ehteshami & Mahjoob, 2008, P. 43).

در کل اصول سیاست خارجی ایران در دوره احمدی‌نژاد را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱) تأکید بر عدالت‌محوری و اعتقاد به اینکه عدالت و معنویت تنها پایه‌های ایجاد نظم و صلح پایدار در جهان محسوب می‌شود.
- ۲) احمدی‌نژاد غرب را به عنوان بلوک ثروتمندی توصیف می‌کند که مخالف پیشرفت‌های علمی و استقلال سیاسی جهان اسلام است.
- ۳) اسرائیل‌ستیزی حتی نسبت به غرب‌ستیزی در اولویت اول سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار دارد، چرا که او با آمریکا حاضر به مذاکره و معامله است، وی بر نابودی و محو اسرائیل از نقشه جغرافیا تأکید می‌ورزد.
- ۴) ارزش‌محوری و عدالت‌گستری را نه فقط در داخل، بلکه در سطح نظام بین‌الملل سرلوحه اندیشه و عمل خویش قرار داده است.
- ۵) جمهوری اسلامی ضمن نفی روحیه اقتدارگرایی و انحصارطلبی حاکم بر جهان و مخالفت با روش‌های سخت‌افزاری و یک‌جانبه‌گرایی کشورهای غربی، سعی می‌کند با حفاظت از انقلاب اسلامی و صدور دستاوردهای آن، به گسترش معنویت و برپایی عدالت



در صحنه جهانی کمک نماید (ازغندی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۸-۱۴۶).

گفتمان مزبور نقش‌های ملی گوناگونی را در عرصه سیاست خارجی و بین‌المللی تعریف کرد. نقش‌هایی چون دولت عدالت‌گستر و ظلم‌ستیز، عامل ضد سلطه، ضد امپریالیسم و صهیونیسم، استکبارستیز، سنگر انقلاب و رهایی‌بخش، مدافع اسلام و تشیع، دولت تجدیدنظرطلب و شالوده‌شکن و... اصول فوق در چارچوب فکری احمدی‌نژاد، مقدمات و شاکله‌های مفهومی توسعه سیاسی در آینه فکری اوست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶، ص ۷۹).

در ادامه به بازاندیشی مفهوم مذکور در افق دیدگاه اصول‌گرایانه احمدی‌نژاد می‌پردازیم.

#### ۱۰. بازاندیشی مفهوم توسعه سیاسی در گفتمان فکری احمدی‌نژاد

مفهوم توسعه سیاسی در گفتمان فکری احمدی‌نژاد با مولفه‌هایی چون پیوند با مردم، برقراری عدالت اجتماعی، ایجاد دولت جوان انقلابی، تحقق شعارهای اقتصادی چون پرداخت یارانه و مسکن مهر، کم شدن فاصله طبقاتی دولت و مردم، معنا و مفهومی دیگری می‌یابد. معنایی که با اولویت‌بخشی به اراده و خواسته‌های ملت و با محوریت معیشت و اقتصاد توده مردم، به تبیین نقش مردم در راستای نیل به اهداف انقلاب اسلامی و بازتعریف دموکراسی در چارچوب اصول ارزشی انقلاب اسلامی منجر می‌گردد. احمدی‌نژاد بوروکراسی را مانع فعالیت و خدمت می‌داند و از همین روست که به جای ارجاع امور به مجاری تعریف شده، راه جدید ارتباط مستقیم را باز کرده است (عمویی، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

در گفتمان فکری احمدی‌نژاد مولفه‌هایی چون بهره‌مندی از مایه‌های عمیق بنیادگرایی، رومانسیسم، پوپولیسم، تکیه بر نفت و خرده بورژوازی، احیای گفتمان سیاسی سنت‌گرایانه و امت‌محور و ضدیت با مدرنیته و غرب و شعائر غربی چون هولوکاست، فاقد منطق تولید و انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری و صنعتی شدن، بی‌رغبتی به دموکراسی و ارزش‌های جامعه مدنی، نگرش‌های پست توسعه‌ای مبنی بر پایان توسعه و رد مبانی نظری و رویارویی با دنیای غرب را به همراه دارد که به‌نوبه خود به بازاندیشی مفهوم توسعه سیاسی از دریچه گفتمان اصول‌گرایی می‌پردازد (عابدی اردکانی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۲).

در این دوره، شرایط کم و بیش برای ظهور نوعی توده‌گرایی و توده‌ای شدن سیاست فراهم شد. در این شرایط، نخبگان به سهولت در معرض نفوذ توده‌ها و توده‌ها به آسانی در دسترس نخبگان قرار می‌گیرند (Komhauser, 1960, P. 22). شرایطی که صرفاً در دوره احمدی‌نژاد شکل می‌گیرد و از مولفه‌های مهم گفتمان توسعه سیاسی و برداشتن پل ارتباطی با مردم در گفتمان فکری ایشان است.

از دیگر مولفه‌های توسعه سیاسی در اقدامات احمدی‌نژاد، تلاش عملی وی برای تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران است که در این دولت تهیه و ابلاغ می‌گردد. لایحه برنامه چهارم توسعه که مهم‌ترین مرحله تحقق جامعه آرمانی چشم‌انداز توسعه کشور محسوب می‌شود، در پی تحکیم مبانی و بسترهای رشدی است که فرصت‌های مدیریت بهتر ایران فردا و احکام مورد نیاز برای ایجاد مبانی توسعه‌ای ایران را فراهم آورد.

مهم‌ترین ویژگی برنامه چهارم، تهیه و تنظیم این برنامه در چارچوب چشم‌انداز بلند مدت کشور می‌باشد. در تدوین چشم‌انداز دو هدف بسیار مهم در نظر گرفته شده است، ایجاد اشتغال مولد و درآمد برای جمعیت جوان از طریق استقرار جریان رشد و توسعه پایدار و کم کردن فاصله کشور با کشورهای نوظهور صنعتی به گونه‌ای که تا افق چشم‌انداز جایگاه اول را در منطقه به دست آورد. اهدافی که رابطه مستقیمی با توسعه سیاسی مدنظر احمدی‌نژاد دارند (ازغندی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۸-۱۴۶).

از مهم‌ترین محورهای سند مذکور که رابطه مستقیمی با توسعه سیاسی دارد، برخورداری از سلامت، رفاه، امنیت قضایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع منابع درآمد و نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد و تبعیض، فعال و موثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکر اجتماعی و تأثیرگذار بر هم‌گرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی است که از شاخصه‌های مهم توسعه سیاسی به شمار می‌رود و مقدمات آن در این دولت هموار می‌گردد (لطیفی پاکده، ۱۳۹۰، ص ۱۴۱-۱۳۱).

از دیگر عناصر مهم در تفکر احمدی‌نژاد که رابطه مستقیمی با مفهوم توسعه سیاسی در اندیشه وی دارد، مفهوم دولت ملی است. در گفتمان اصول‌گرایی احمدی‌نژاد، دولت نه

تنها ماهیت سکولار و عرفی ندارد، بلکه از سرشتی کاملاً دینی و اسلامی برخوردار است. به این معنا، دولت ملی در گفتمان اصول‌گرایی احمدی‌نژاد، در چارچوب ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلامی - شیعی تعریف می‌شود. براساس نظریه سیاسی شیعه، دولت سرزمینی و ملی اصالت شرعی ندارد. چون در اسلام مرزهای جغرافیایی که امروز مسلمانان را در قالب کشورها و ملت‌ها تقسیم می‌کند، اصالت ندارد. در نتیجه، علی‌رغم استقرار جمهوری اسلامی ایران در محدوده مرزهای جغرافیایی ایران، قلمروی سرزمینی و ملی آن اصالت ذاتی ندارد، زیرا این دولت اسلامی، ماهیت و سرشتی جهانی، فراملی و فرامرزی دارد که به طور موقت و بالعرض از پایگاه سرزمینی و ملی ایران برای رسیدن به نظم مطلوب اسلامی و جامعه جهانی اسلامی بهره می‌گیرد. از این رو، حفظ موجودیت، امنیت و بقای جمهوری اسلامی ایران به عنوان مقدمه و لازمه تحقق این وضعیت و جامعه مطلوب لازم و واجب است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۲).

در این گفتمان همچنین دولت ملی مستلزم و متضمن ملت و ملیت است که در اسلام از اصالت و اعتبار اولیه برخوردار نیست. جامعه سیاسی مشروع و معتبر اسلامی، امت است، در نتیجه دولت - ملت جمهوری اسلامی ایران، ماهیت، کارکرد و مسئولیت اسلامی دارد (همان، ص ۶۹)، به گونه‌ای که نسبت به حقوق، منافع و سرنوشت همه مسلمانان و مصالح امت اسلام و حتی مستضعفان جهان، مسئول و مکلف است. تکالیف و وظایفی که منافع فراملی و مصالح اسلامی را در زمره اهداف و منافع جمهوری اسلامی قرار می‌دهد و به‌نوبه خود از عناصر مهم توسعه سیاسی در گفتمان احمدی‌نژاد به شمار می‌رود (همان، ص ۲۳۲).

با بازاندیشی هویت جمهوری اسلامی ایران در نگاه اصول‌گرای احمدی‌نژاد، به مولفه دیگری در راستای مفهوم توسعه سیاسی در اندیشه وی دست می‌یابیم. مولفه کانونی ساختار معنایی گفتمان اصول‌گرای احمدی‌نژاد، ثنویت یا دوقطبی دیدن هستی است. بر این مبنا، تمامی پدیده‌های هستی در یکی از دو قطب مخالف خیر و شر قرار دارد، هستی، صحنه تقابل دو جبهه تاریکی و روشنایی است که مرزهای مشخص و ممیزی دارند و طیف میانه‌ای در این بین وجود ندارد. هستی‌شناسی بین‌المللی متأثر از نگاه ثنوی، عرصه‌ای از تقابل میان نیروهای خیر و شر را ترسیم می‌کند که دولت - ملت‌ها آن را نمایندگی

می‌کند (حداد، ۱۳۹۴، ص ۵۳-۵۸).

مطابق این نوع نگاه، در گفتمان احمدی‌نژاد، خود رهبر قطب خیر و دیگری رهبر قطب شر است. در همین راستا، جمهوری اسلامی براساس وظیفه‌رهای بخششی که برای خود قائل است، می‌بایست سعی کند نقاط مقاومت را در برابر هژمون و نظام سلطه بسیج نماید و نوعی اتحاد و ائتلاف را در میان نیروهای ضد هژمونیک پیرامونی در نظام بین‌الملل ایجاد کند. از آنجا که جمهوری اسلامی خود را پیشگام جبهه حق علیه باطل می‌داند، عقب‌نشینی و سازش و تسلیم را در مقابل ظلم و بی‌عدالتی جایز نمی‌شمارد و علیه آن در هر کجای عالم که باشد، مبارزه می‌کند که خود نقطه محوری دیدگاه احمدی‌نژاد در راستای بسط عدالت‌طلبی که از مولفه‌های مهم توسعه سیاسی در اندیشه وی است، به شمار می‌رود (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۳-۱۹۲).

علی‌رغم نکات مزبور، بازاندیشی مفهوم توسعه سیاسی در اندیشه احمدی‌نژاد، ارتباط مستقیمی با نظم و نظام بین‌المللی دارد. گفتمان اصول‌گرایی احمدی‌نژاد، نظم و نظام بین‌المللی مستقر و موجود را کاملاً ناعادلانه، نامشروع و نامطلوب می‌پندارد. از دیدگاه این گفتمان، نظام بین‌المللی نمود و نماد بی‌عدالتی، نابرابری، تبعیض، تسلط و سلطه است و بر این اساس، یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها و اهداف مفهوم توسعه سیاسی، توصیف و تعیین وضع و نظم ناعادلانه و نظام سلطه جهانی است. به ویژه رئیس‌جمهور، بیشترین انرژی و نیروی دیپلماتیک خود را مصروف توصیف و تعلیل این واقعیت نامطلوب بین‌المللی ساخت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶، ص ۸۵).

گفتمان اصول‌گرایی در دو بعد تبیینی و تخریبی به بازتعریف مفهوم توسعه سیاسی و واسازی نظم و نظام بین‌الملل موجود می‌پردازد. در بعد تبیینی، از طریق توصیف و تبیین سرشت ناعادلانه وضع موجود و نظم مستقر سعی می‌کند آن را غیرطبیعی ساخته و از آن مشروعیت‌زدایی کند. غیرطبیعی کردن، یعنی نشان دادن این امر که نظم و نظام بین‌الملل موجود مانند هر پدیده و واقعیت اجتماعی دیگر زمان‌مند و مکان‌مند بوده که تحت شرایط خاصی امکان وجود یافته و در گذر زمان در اثر غلبه و حاکمیت، طبیعی انگاشته می‌شود. در دومین گام، گفتمان اصول‌گرایی درصدد تخریب و سپس تغییر نظم موجود برای استقرار نظم مطلوب است که این هدف را در سطح مبارزه و مقابله با نظام سلطه، تک‌قطبی

و مناسبات ناعادلانه قدرت، مقابله و مبارزه با کانون‌ها و قطب‌های قدرت بین‌المللی، مستکبران و ظالمان و نهایتاً انتقاد از سازمان‌ها، نهادها و قوانین بین‌المللی و تلاش برای اصلاح آنها، پیگیری می‌کرد (همان، ص ۸۷-۸۵).

در راستای همین تجدیدنظرطلبی و شالوده‌شکنی وضع موجود است که دولت جمهوری اسلامی ایران علاوه بر نظام بین‌المللی، از عملکرد و قواعد موجود در نهادهای آن نیز سلب مشروعیت کرده و به انتقاد از آنها می‌پردازد، چرا که از نظر رهبران این دولت، این نهادها و سازمان‌ها بی‌عدالتی و تبعیض را در نظام بین‌الملل نهادینه می‌کنند. در همین زمینه، می‌توان به انتقادات شدید احمدی‌نژاد از ساختار و سازوکار سازمان ملل و به خصوص شورای امنیت در اجلاس مجمع عمومی اشاره کرد که به گفته او تا زمانی که نهاد شورای امنیت نتواند به نمایندگی از کل جامعه بین‌المللی و به طور شفاف، عادلانه و دموکراتیک اقدام کند، نه مشروع خواهد بود و نه کارآمد. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که بی‌عدالتی، ظلم و زورگویی در جهان ریشه‌کن شود و پرستوی صلح و عدالت بر بام جهان بنشیند. مقوله‌ای که نقطه کانونی و محوری مفهوم توسعه سیاسی در گفتمان فکری احمدی‌نژاد است (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰، ص ۴۴).

در واقع دال مرکزی گفتمان احمدی‌نژاد در رابطه با بازاندیشی مقوله توسعه سیاسی، مفهوم عدالت و عدالت‌گستری است. این دال، عامل هویت‌یابی گفتمان احمدی‌نژاد در سیاست خارجی بوده و در هر دو وجه ایجابی و سلبی، جمهوری اسلامی را از دیگران متمایز می‌سازد. در وجه ایجابی و مثبت، مهم‌ترین وجه ممیزه جمهوری اسلامی تلاش برای برقراری عدالت و شیوه حکمرانی و رفتار عادلانه است. در وجه سلبی و منفی نیز شاخص اصلی جمهوری اسلامی مبارزه با بی‌عدالتی و ظلم در سطح بین‌المللی است و این عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، ناشی از اصلاح، ابداع و بدعت در منظومه فکری، ارزشی و آرمان‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نیست، بلکه تجلی و نمود بازگشت به یکی از اصول و ارزش‌های اولیه و بنیادی انقلاب اسلامی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶، ص ۷۸-۷۱).

از دیگر مولفه‌ها و مقولات مهم دیگر در اندیشه سیاسی احمدی‌نژاد که ارتباط وثیقی با مفهوم توسعه سیاسی مدنظر وی می‌یابد، مبحث صدور انقلاب است. در گفتمان

اصول‌گرایی احمدی‌نژاد، انقلاب اسلامی ایران ماهیت و هویت فراملی و فرامرزی دارد. مهم‌ترین وجه ممیزه انقلاب اسلامی، اسلامی بودن آن است، ویژگی‌ای که آن را از سایر انقلاب‌های ملی و فراملی متمایز می‌سازد.

استلزام منطقی روایت مذکور این است که اولین و اساسی‌ترین علت وجودی و هدف حصولی انقلاب اسلامی، اسلام‌خواهی در درون و برون ایران می‌باشد. در عرصه بین‌المللی نیز انگیزه و هدف نخستین انقلاب اسلامی ایران، گسترش این ارزش‌ها در جوامع و کشورهای دیگر برای ایجاد یک جامعه جهانی اسلامی و استقرار نظم جهانی اسلامی از طریق انقلاب اسلامی است که قرائت معتبری از دیدگاه فکری احمدی‌نژاد پیرامون مفهوم توسعه سیاسی مدنظر ایشان می‌باشد (همان، ص ۸۲).

### ۱۱. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد به تشریح مفهوم توسعه سیاسی در گفتمان فکری احمدی‌نژاد پرداخته شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در دوره احمدی‌نژاد قرائتی نو و متفاوت از سلف فکری وی و نخبگان سیاسی قبل از او شکل می‌گیرد. قرائتی که پیوند مستحکمی با آرمان‌ها و اصول اولیه انقلاب اسلامی می‌یابد. بازتعریف مفهوم توسعه سیاسی در آینه فکری احمدی‌نژاد، با دال‌هایی چون عدالت‌طلبی، برابری، رفع فقر و تبعیض، استکبارستیزی، حاکمیت اصول و آرمان‌های اسلامی، به تعریفی متفاوت و متمایز از مفهوم توسعه سیاسی در دولت‌های قبل از او و اساساً در تمایز با مولفه‌های توسعه سیاسی در گفتمان اصلاحات خاتمی چون دموکراسی، آزادی، حاکمیت قانون، تعامل و تساهل و... قرار می‌گیرد.

به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد و شعارهای او نشان داد که تفاوت‌های زیادی در عرصه داخلی و خارجی با دو رئیس‌جمهور پیشین دارد. دولت احمدی‌نژاد با اتخاذ استراتژی متفاوت، ضمن بازتعریف اصول اولیه انقلاب اسلامی، عدول از آن را ناممکن خوانده و اولویت سیاست خارجی خود را بازگشت به اصول و ارزش‌های اولیه انقلاب اسلامی ایران می‌داند. این گفتمان با عنوان اصول‌گرایی عدالت‌محور، چارچوب سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا به دنبال مدیریت جهانی باشد، مدیریتی که ارتباط تنگاتنگی با مفهوم توسعه سیاسی در گفتمان فکری وی می‌یابد. چرا که در اندیشه احمدی‌نژاد مدیریت

فراگیر اسلامی، می‌بایست شرق و غرب عالم را صحنه عدالت اسلامی گرداند. آنگونه که اشاره شد، در گفتمان فکری احمدی‌نژاد، نظام روابط بین‌الملل بر بنیان‌هایی از ظلم و بی‌عدالتی استوار است. بر همین مبنا، طبقه‌بندی جهان به ستمگر و ستم‌دیده و سلطه و ضد سلطه و اتخاذ راهبرد مقابله‌جویانه، از اصول گفتمان جهانی او می‌باشد. به همین دلیل، وی سعی داشت تا با زیر سوال بردن نظام بین‌الملل، مدعی مدیریت جهانی شود. وی وضع موجود نظام بین‌الملل را مورد انتقاد قرار داد و ضمن نامناسب دانستن آن، بر لزوم تغییر آن تأکید کرد. تغییراتی که از مولفه‌های بنیادین مفهوم توسعه سیاسی مدنظر اوست.

مفهوم توسعه سیاسی در آینه فکری احمدی‌نژاد حاکی از این است که جهان نیازمند تحولات بزرگی به نفع همه ملت‌ها می‌باشد. بر همین اساس، وی تلاش کرد تا سیاست خارجی فعالانه‌ای در گسترش روابط با این دسته از کشورها برقرار سازد. مفهوم توسعه سیاسی در گفتمان فکری احمدی‌نژاد، با طرح شعارهایی چون نجات مستضعفان عالم، مبارزه با سرمایه‌داری جهانی، فقرستیزی، نابودی استکبار و... قرائت جدیدی می‌یابد. قرائتی که هدف نهایی خود را برقراری عدالت اسلامی در سایه شکل‌گیری تمدن اسلامی می‌داند. از سوی دیگر، تشریح مولفه‌هایی چون موعودباوری، عدالت‌محوری و بیگانه‌ستیزی در گفتمان سیاسی احمدی‌نژاد، ارتباط تنگاتنگی با اقتدارگرایی در سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی دارد، زیرا این مفاهیم ارزشی در بین مردم ایران از جایگاه محکمی برخوردار است. حال اگر دولت مردی ادعای پیاده کردن و جامه عمل پوشاندن به این مفاهیم را در جامعه داشته باشد، از حمایت بالای مردمی برخوردار شده که مهم‌ترین رکن مفهوم توسعه سیاسی یعنی محوریت نقش مردم می‌باشد که در گفتمان فکری احمدی‌نژاد تبلور یافت.

## — منابع —

۱. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹). چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر قومس.
۲. باقری دولت‌آبادی، علی؛ رشیدی‌زاده، بهنام (۱۳۹۳). رویکرد ایران و عراق به نظام بین‌الملل و تأثیر آن بر شروع و پایان جنگ. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۱(۲۷)، ص ۱۴۹-۱۱۷.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۷۸). *جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران*. تهران: موسسه علوم نوین.
۴. حداد، غلامرضا (۱۳۹۴). ساختار معنایی نواصول‌گرایان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی (۱۳۹۲-۱۳۸۴).
- پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰(۳)، ص ۱۱۰-۴۱.
۵. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۰). *سیاست و حکومت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۶. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰). حکمت اسلامی و رویکرد تمدنی به دیپلماسی فرهنگی. *مطالعات روابط فرهنگی بین‌الملل*، ۱(۳)، ص ۳۹-۳۰.
۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶). *گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد. دانش سیاسی*، ۵(۵)، ص ۹۸-۶۷.
۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
۹. دیانت، محسن؛ نجات‌پور، مجید (۱۳۹۶). توسعه از دیدگاه جریان اسلام‌گرای شریعت‌مدار پس از انقلاب اسلامی. *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۱(۴۱)، ص ۱۵۵-۱۳۳.
۱۰. رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰). *هویت انقلابی- اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی*. *سیاست خارجی*، ۱۰(۶۹)، ص ۴۸-۲۹.
۱۱. رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۱). *بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری*. *علوم سیاسی*، ۱۱(۵۸)، ص ۲۰۰-۱۷۷.
۱۲. زیباکلام، صادق (۱۳۸۵). *احمدی‌نژاد و جامعه‌شناسی قدرت در ایران*. *بازتاب اندیشه شرق*، ۵(۷۵۷)، ص ۴۵-۳۰.
۱۳. صدیق سروسناتی، رحمت‌الله؛ زائری، قاسم (۱۳۸۹). *بررسی گفتمان‌های فرهنگی پسا انقلابی و روندهای چهار گانه موثر بر سیاست خارجی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران*. *پژوهشنامه بهار*، ۶(۵۴)، ص ۳۸-۹.
۱۴. عابدی اردکانی، محمد (۱۳۹۳). *توسعه‌نیافتگی سیاسی از منظر فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)*. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۹(۴)، ص ۱۶۹-۱۳۳.
۱۵. عمویی، ابوالفضل (۱۳۸۶). *اهمیت احمدی‌نژاد بودن*. *خردنامه*، ۱۶(۵۸)، ص ۳۵-۱۵.
۱۶. لطیفی پاکده، لطفعلی (۱۳۹۰). *عملکرد دولت احمدی‌نژاد: قوت‌ها و ضعف‌ها*. *پیام*، ۱۱(۸۹)، ص ۱۴۵-۱۳۱.
17. Ehteshami, A. & Mahjoob, Z. (2008). *Iran and the Rise of its Neoconservatives*. New York: I.B. Tauris & Co Ltd.
18. Kornhauser, W. (1960). *The Politics of Mass Society*. *The Canadian Journal of Economics and Political Science*, Vol. 26, No. 4, P.644-646. DOI: <https://doi.org/10.2307/138943>.



19. Sadjadpour, K. (2006). How Relevant Is the Iranian Street. *The Washington Quarterly*, 30, P.151-162.

## References

1. Abedi Ardakani, M. (2014). Political underdevelopment from the perspective of elite political culture in Iran (1368-1384). *Journal of Political Science*, 9(4), P.169-133. [In Persian]
2. Amoe, A. (2007). The importance of being Ahmadinejad. *Kheradnameh*, 16(58), P.35-15. [In Persian]
3. Azghandi, A. (2010). **Frameworks and orientations of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Qoms Publishing. [In Persian]
4. Bagheri Dolatabadi, A. & Rashidi Zadeh, B. (2014). Iran and Iraq's approach to the international system and its impact on the beginning and end of the war. *Studies of the Islamic Revolution*, 11(27), P.149-117. [In Persian]
5. Bashirieh, H. (1999). **Civil society and political development in Iran**. Tehran: Institute of Modern Sciences. [In Persian]
6. Dehghani Firoozabadi, S.J. (2007). The discourse of justice-oriented fundamentalism in the foreign policy of Ahmadinejad's government. *Political Science*, 5(5), P.98-67. [In Persian]
7. Dehghani Firoozabadi, S.J. (2012). **Foreign policy of the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Samat Publications. [In Persian]
8. Dehshiri, M.R. (2011). Islamic Wisdom and Civilized Approach to Cultural Diplomacy. *Studies in International Cultural Relations*, 1(3), P.39-30. [In Persian]
9. Diyanet, M. & Nejatpour, M. (2017). Development from the perspective of the Sharia-oriented Islamist current after the Islamic Revolution. *The Approach of the Islamic Revolution*, 11(41), P.155-133. [In Persian]
10. Ehteshami, A. & Mahjoob, Z. (2008). **Iran and the Rise of its Neoconservatives**. New York: I.B. Tauris & Co Ltd.
11. Haddad, Gh. (2015). The Semantic Structure of the Neo-Conservatives and the Foreign Policy of the Islamic Republic (1392-1384). *Journal of Political Science*, 10(3), P.110-41. [In Persian]
12. Khajeh Sarvi, Gh. (2011). **Politics and government in the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Imam Sadegh University Press. [In Persian]
13. Kornhauser, W. (1960). The Politics of Mass Society. *The Canadian Journal of Economics and Political Science*, Vol. 26, No. 4, P.644-646. DOI: <https://doi.org/10.2307/138943>.
14. Latifi Pakdeh, L.A. (2011). Performance of Ahmadinejad government; Strengths and weaknesses. *Payam*, 15(89), P.145-131. [In Persian]
15. Rasouli Thani Abadi, E. (2011). The revolutionary-Islamic identity of the Islamic Republic of Iran in various foreign policy discourses. *Foreign Policy*, 10(69), P.48-29. [In Persian]
16. Rasouli Thani Abadi, E. (2012). Investigating the identity of the Islamic Republic of Iran from a structural point of view. *Political Science*, 11(58), P.200-177. [In Persian]
17. Sadjadpour, K. (2006). How Relevant Is the Iranian Street. *The Washington Quarterly*, 30, P.151-162.

18. Siddiq Sarvestani, R. & Zairi, Q. (2010). A Study of Post-Revolutionary Cultural Discourses and the Four Trends Affecting Foreign Cultural Policy in the Islamic Republic of Iran. *Bahar*, 6(54), P.38-9. [In Persian]
19. Zibakalam, S. (2006). Ahmadinejad and the Sociology of Power in Iran. *Reflection of Eastern Thought*, 5(757), P.45-30. [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

**DOI:** 10.22034/sej.2021.1924729.1309

تفضلی، حسین؛ محمدیان، رضا؛ حسینی گلی، سیداسمعیل (۱۴۰۰). بازاندیشی مفهوم توسعه سیاسی در گفتمان اصول‌گرای محمود احمدی‌نژاد. *سیپهر سیاست*، دوره ۸، شماره ۲۷، ص ۱۲۳-۱۴۰.